

"همیشه دیر رسیدم، همیشه دیر می رسم!"
فرهاد شیانی

همیشه دیر میرسم!

همیشه یک واقعه از لمس حضور تو کم
یک لحظه، یک فاصله از نو شدن جهان پسم
از من به تو ریتم نفس، شتاب اسلو موشنه
همیشه دیر میکنم، همیشه دیر میرسم!

یه سوی تو سر میرم از
ذهن تمام جاده ها
ممنوعه میشه سبقت و
نمیرسم به انتها

سد ترافیک و هجوم
میدون جاده های کار
سمفونی سیاه بوق
ارکستر تلخ انتظار

تو خلاء از من به تو
همیشه گی هرگز میشه
جاده فقط یک طرفه
چراغ فقط قرمز میشه

همیشه یک واقعه از لمس حضور تو کم
یک لحظه، یک فاصله از نو شدن جهان پسم
از من به تو ریتم نفس، شتاب اسلو موشنه
همیشه دیر میکنم، همیشه دیر میرسم!

میتینگ و اعتصاب و صف
باتوم و پنجه بوکس و خون
گردان ضد شورش و
شعار های سرنگون

سوت و آژیر و آمبولانس
از پس بمب منفجر
گشتی و دژبان و پلیس
حصار ترس منتشر

همیشه یک واقعه از لمس حضور تو کم
یک لحظه، یک فاصله از نو شدن جهان پسم
از من به تو ریتم نفس، شتاب اسلو موشنه
همیشه دیر میکنم، همیشه دیر میرسم!

ریسه ی گلغروشک و
افلیج و شیمیایی و
گداچه و فراری و

بچه های سوار شو

ساعت بی عقربه و
تقویم قرن سوخته
ترانه ی له شده و
صف لبای دوخته

تاریخ بی گذشته و
طلوع شب از پی شب
آینده ی تکراری و
کوچیدن رو به عقب

من از کدوم میون بر
کدوم کناره رد کنم
که از پس اینهمه سد
نقبی به سمت بزنم؟

همیشه یک واقعه از لمس حضور تو کمم
یک لحظه، یک فاصله از نو شدن جهان پسم
از من به تو ریتم نفس، شتاب اسلو موشنه
همیشه دیر میکنم، همیشه دیر میرسم!

ایرج جنتی عطایی